



ماده شانزدهم اعلامیه حقوق بشر میگوید : «هر زن و مرد بالفی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد ، ملیت ، تابعیت ، یا مذهب ، با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند . در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر ، در کلیه امور مربوط با ازدواج ، دارای حقوق مساوی می باشند .»  
اما اسلام ... ؟

## راههای دیگر جلوگیری از طلاق

در شماره های گذشته توضیح دادیم که : روح اسلام با انحلال پیوند زناشویی و بیفروغ ساختن کانون خانواده ، جز در صورت ضرورت ، موافق نیست و لذا می بینیم که «هزار و یک مانع» پیش پای زوجین هنگام اراده وقوع طلاق ، قرار داده است .  
از یکطرف آنرا «منفورتترین حلالها» شمرده ، از طرف دیگر «دادنامه خانوادگی» را مأمور رسیدگی بوضع نابسامان آنها ساخته است و هرگاه دو عامل یاد شده نتوانست آنها را از تصمیم غلطشان بازدارد و بقول معروف «دو پارتوی یک کفش کرده» میخواهند از هم جدا شوند ، در آن صورت موانع دیگری پیش بینی کرده که ذیلا بشرح آنها میپردازیم :

### پاک بودن زن

هنگامیکه بناسد : زن و مرد از راه طلاق ، از همدیگر جدا شوند لازم است که اولازن از

«عادت ماهیانه» و «نفاس» پاک باشد (۱) و ثانیاً از ابتدای پاکی تا هنگام اجرای طلاق، شوهر با او همبستر نشده باشد.

ناگفته پیداست که بسیاری از مردم در اثر گرفتاریهای روزمره زندگی و ناراحتیهای که در خارج از منزل برایشان پیش میآید، در یک حالت خشم و نگرانی درونی بسر میبرند کوچکترین بگو مگودر محیط خانه کافی است که ناراحتی درونی آنان را آشکار کرده دست بکارهای انتقام جویانه شدیدی بزنند. در اینگونه حالات است که بیشتر اختلافها و نزاعهای خانوادگی صورت میگیرد و اغلب طلاقها واقع میشود، افرادی که در اینگونه حالات بحرانی دست بانحلال کانون خانواده دراز کرده اند گذشت مقداری از زمان کافی است که آنها را از اقدام عجولانه، و انتقام جویانه بیجای خود پشیمان ساخته آتش خشم آنان را فرو نشانند.

بنا بر این حصول دو شرط بالانوعاً نیازمند بگذشت زمانی است که چه بسا در همین گذشت زمان، آتش اختلاف میان زن و شوهر خاموش شود و دشمنیها و ناسازگاریهای آنان تبدیل بدوستی و سازش گردد، روی این حساب، همانطوریکه گفته شد، شرط مذکور، خود عامل مؤثر دیگری در جلوگیری از انحلال کانون خانواده خواهد بود.

### حضور دو نفر عادل

اسلام مقرر میدارد که هنگام وقوع طلاق بایستی دو نفر شاهد عادل که مرتکب گناهان کبیره نمیشوند و از اصرار بر گناهان صغیره خودداری میکنند، حضور داشته باشند و در غیر این صورت طلاق واقع نخواهد شد «وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَالِكُمْ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» یعنی: هنگام وقوع طلاق، دو مرد مسلمان عادل را گواه بگیرید و برای رضای خدا اقامه شهادت کنید بدین اندرز الهی آنکس که بخدا و روز قیامت ایمان دارد متعظ و بهره مند خواهد شد» (۲)

بدیهی است که افراد عادل هیچگاه شاهد اجرای مراسم طلاقی که بر پایه ظلم و زور استوار شده باشد نخواهند شد آنها از آنجا که دیندار و پاک سرشتند و از عواقب سوء انحلال کانون

(۱) البته باید توجه داشت که این شرط مربوط بزنی است که شوهر با او همبستر شده و زن حامله هم نباشد برای تفصیل بیشتر مراجعه شود بکتاب فقهی.

(۲) سوره طلاق آیه ۲.

خانواده کاملاً باخبرند ، در صورت امکان طرفین ازدواج را از تصمیم غلطشان منصرف خواهند نمود . پرواضح است که سختگیری یعنی شرط حضور دو عادل هنگام وقوع طلاق ، نیز مانع دیگری برای انحلال کانون خانواده خواهد بود .

### شرایط دیگر عناصر اصلی طلاق

در میان شرائط وارکان تشکیل دهنده طلاق ، دو قسمت دیگر قابل توجه است : ۱ - شخص طلاق دهنده بایستی علاوه بر بلوغ دارای عقل ، قصد و اختیار باشد . هر گاه فاقد یکی از صفات یاد شده بود طلاق اوصحیح نخواهد بود .

بنا بر این در صورتیکه شرائط یاد شده موجود نباشد و یا از روی اکراه و اجبار صیغه طلاق را جاری کند ، طلاق واقع نخواهد شد .

۲ - طلاق بایستی با عبارت مخصوصی که بطور صریح و قاطع حکایت از منظور طلاق دهنده میکند ، واقع شود ، روی این حساب ، طلاق با اشاره و کنایه و یا بنوشتن و الفسافی که صراحت و قاطعیت در انحلال عقد ندارند ، واقع نخواهد شد .

دخالت دادن شرائط یاد شده در تحقق طلاق ، خود مانع دیگری برای انحلال کانون خانواده بشمار میرود .

### در عده رجعیه زن باید در خانه شوهر بماند

هر گاه هیچکدام از موانع یاد شده نتوانست طرفین ازدواج را از اقدام با انحلال کانون خانواده بازدارد و آنها برخلاف سختگیریهایی که اسلام در موضوع طلاق بعمل آورده تصمیم جدی خود را عملی ساختند و با اجرای مراسم طلاق محیط خانواده را بی فروغ نمودند ؛ اسلام در عین حال آخرین تلاش را برای برگرداندن آب از جوی رفته کرده که ذیلاً توضیح داده میشود :

چنانچه طلاق واقع شده رجعی باشد نه باین (بعداً ضمن بیان اقسام طلاق ، طلاق رجعی و باین توضیح داده خواهد شد) مرده و وظف است که زن راتاً نقضای عده که در حدود سه ماه واندی خواهد بود ، از منزل مسکونی خود بیرون نفرستد و زن نیز حق ندارد جز برای حوائج ضروری

از خانه شوهر بیرون رود : « لا ینخر جوهرهن من بیوتهن ولا ینخر جن الا ان یتین بقا حاشة  
 مبینة و تلك حدود الله ومن یتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدری لعل الله یحدث بعد  
 ذلك امر ا یعنی : آن زنهارا (تاد رعه اند) از خانه هایشان بیرون نکنید و ایشان نیز بیرون نروند

مگر آنکه کار زشت آشکاری مرتکب شوند ، این حدود خداست و هر که از حدود خدا تجاوز کند بخویش ستم کرده است تو نمیدانی شاید خدا پس از این چیزی پدید آرد» (۱) .

(۱) سوره طلاق آیه ۲

ناگفته پیدا است طی سه ماه و اندی که زن برای گذراندن ایام عده خود در خانه شوهر بسر میبرد، برای زن و شوهر فرصت مناسبی است که هر گاه طلاق روی ناراحتیهای آنی و عدم توجه بمواقب سوء آن، واقع شده بوده بایاد آوردن دوران شیرین زندگی زناشویی گذشته، از خیر شیطان پائین آمده باردیگر زندگی زناشویی را از سر بگیرند و لذا قرآن شریف ضمن آیه فوق با جمله «لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ لَكُمْ أَمْرًا» اشاره به فلسفه بودن زن در ایام عده توی خانه شوهر کرده و تذکر داده که ممکن است با بودن زن در خانه شوهر، باردیگر مقدمات الفت و ادامه زندگی زناشویی فراهم گردد.

خواننده محترم باید توجه داشته باشد که: در عده رجعیه اندک تمایل شوهر کافی است که وضع زناشویی را اعاده دهد یعنی هر گاه شوهر بروی زن مطلقه خود که در عده بسر میبرد، بخندد و یا با او تفریح کند همین خود کافی است که وضع زناشویی مجدد آنان را تثبیت کند بدون آنکه عقد خاص و یا تشریفات دیگری لازم باشد.

این آسان گرفتن اعاده وضع زناشویی و آزمه سخنگیری و موانع پیش پای زوجین گذاردن در موضوع طلاق، خود بهترین دلیل اینست که اسلام بهمان اندازه که باتشکیل خانواده موافق است بهمان اندازه، بلکه دوچندان آن، با انحلال خانواده دشمن است (۱)  
تا اینجا نظر اسلام را درباره اصل طلاق دانستیم اینک لازم است بدانیم که آیا از نظر اسلام اختیار طلاق با کیست؟ با مرد؟ یا با زن یا با هر دو؟ و یا با هر یک بطور استقلال؟ و یا با دادگاه؟ و امید است از شماره آینده این بحث مهم حقوقی را که افکار بسیاری از حقوقدانان را بخود جلب کرده با بیطرفی کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

(۱) برای بدست آوردن جزئیات این بحث لازم است مراجعه شود بکتابهای مبسوط فقهی مانند: جواهر، لمعه، شرایع، وسیلة النجاة کتاب طلاق.

## سر مایه انسان

پیغمبر اکرم میفرماید:

«دولة المرء في أربعة: عقله وعلمه وحلمه وقناعته»

: سرمایه انسان به چهار چیز است: عقل و دانش و بردباری و قناعت